روزنه

کاندیدای انصراف داده شورای نگهبان:

هیچ نامه اعتراضی به رهبر انقلاب ننوشته‌ام

● **تسنیم:** علی غلامی نوشت برخلاف ادعای برخی نمایندگان، او هیچ نامه اعتراضی‌ای به رهبر انقلاب درباره موضوع انتخاب حقوق‌دان شورای نگهبان ننوشته است. اواخر تیر سال جاری، آیت‌الله رئیسی، رئیس قوه قضائیه، در نامه‌ای به مجلس شورای اسلامی، اسامی پنج حقوق‌دان را برای عضویت در شورای نگهبان معرفی کرد. طبق قانون، پس از معرفی قوه قضائیه، مجلس باید از بین معرفی‌شدگان سه نفر را به‌عنوان عضو حقوق‌دان شورای نگهبان انتخاب می‌کرد تا در کنار سه عضو دیگر حقوق‌دان این شورا و شش فقیه آن قرار گیرند. علی غلامی، هادی طحان‌نظیف، محمد دهقان، محمدحسن صادقی‌مقدم و عبدالحمید مرتضوی گزینه‌های پیشنهادی رئیس قوه قضائیه به مجلس بودند. بااین‌حال، در جلسه ۲۵ تیر ۹۸ اعلام شد غلامی از کاندیداتوری به این منظور انصراف داده است. پس از این اتفاق، برخی نمایندگان مجلس درباره این انصراف گمانه‌زنی‌هایی مطرح کردند؛ ازجمله علی مطهری، نماینده تهران، ادعا کرد غلامی به واسطه فشار یکی از اعضای حقوق‌دان شورای نگهبان از کاندیداتوری انصراف داده و در ادامه محمود صادقی، دیگر نماینده تهران، در ادعای تکمیلی گفت غلامی حتی در این زمینه به رهبر معظم انقلاب نامه نوشته و گلایه‌هایی از این روند مطرح کرده است. بااین‌حال، علی غلامی در نامه‌ای این ادعا را رد کرده و نوشته است هیچ نامه اعتراضی‌ای به رهبر انقلاب ننوشته است. غلامی همچنین تأکید کرده است: «آنچه در روزهای اخیر با هر قصد و نیتی له یا علیه این‌جانب ابراز گردیده، حاصل «تحلیل و گمانه» افراد و نهادهای مختلف بوده و بنده از هیچ فرد یا نهادی درخواستی مبنی بر پیگیری امری یا اعلان مطلبی ننموده‌ام». او در بخشی از نامه خود آورده است: «این‌جانب معتقد به حرمت تضعیف نهادهای قانونی نظام ازجمله شورای محترم نگهبان هستم و قبول نامزدی حقوق‌دانی این شورا از سوی بنده، علی‌رغم خودداری از قبول مسئولیت‌های متعدد در سال‌های اخیر، شاهد این مدعاست که خدمت در این نهاد را افتخاری شرعی و ملی می‌شمرم و معتقدم نباید عملکرد افراد سبب هجمه به جایگاه یک نهاد گردد. ادعای نگارش نامه اعتراضی این حقیر به رهبر حکیم انقلاب، مطلبی خلاف واقع است».

دیدار نوروزی قالیباف و احمدی‌نژاد بعد از ۴ ماه علنی شد

ائتلاف یا عیادت؟

عکس: عرفان کوچاری، تسنیم

مهسا جزینی: آیا جریان سوم ترکیبی از مکتب بهار و نواصولگرایی خواهد بود؟ یعنی همان ائتلاف احمدی‌نژاد و قالیباف؟ در حالی که شنیده‌ها از مجمع تشخیص مصلحت نظام حاکی از این است که از محمود احمدی‌نژاد چندان به گرمی استقبال نمی‌شود، خبر رسیده باقر قالیباف، مبدع ایده نواصولگرایی، به ملاقات محمود احمدی‌نژاد رفته است. آنها هر دو عضو مجمع تشخیص مصلحت هستند.

خبر را برای نخستین‌بار وحید یامین‌پور در توییترش رسانه‌ای کرد؛ اما حالا محسن پیرهادی، دبیرکل جمعیت پیشرفت و عدالت و از چهره‌های نزدیک به قالیباف، در واکنش نوشته که خبر دیدار آقایان قالیباف و احمدی‌نژاد مربوط به اواخر فروردین است. او نوشته است: «آقای احمدی‌نژاد چند جلسه مجمع نیامده بودند، آقای قالیباف پیگیری کردند و متوجه شدند ایشان بیمارند و با جمعی از دوستان به عیادت ایشان رفتند. یادمان باشد همه چیز در دنیا سیاست‌بازی، انتخابات و حاشیه نیست؛ همین». اگرچه او اشاره نکرده دوستان دیگر چه کسانی بوده‌اند، آیا از اعضای مجمع تشخیص بوده‌اند یا همگی از یاران نواصولگرای قالیباف؟

همان‌طور که گفته شد، این خبر را نخستین‌بار این وحید یامین‌پور، مجری اصولگرای صداوسیما، منتشر کرد و در توییتی مدعی دیدار قالیباف و احمدی‌نژاد شده و ملاقات این دو چهره را «سازنده» و «رو به جلو» توصیف کرده بود.

بااین‌حال، پیرهادی در حالی از بیماری محمود احمدی‌نژاد سخن می‌گوید که چنین خبری حداقل تا این لحظه، از سوی یارانش در ماه‌های اخیر رسانه‌ای نشده بود. خود رئیس سابق دولت نیز تقریبا ماهی یک بار یک سفر استانی دارد و عکس و تصویر و خبری از او بالاخره رسانه‌ای می‌شود. مشخص نیست آنچه پیرهادی به‌عنوان بهانه این دیدار مطرح کرده است، بیماری احمدی‌نژاد بوده یا دیداری نوروزی؟

در شرایطی که اصولگرایان مدت‌هاست به اعلام برائت از محمود احمدی‌نژاد روی آورده‌اند، برخی از آنها گهگاه سری به او می‌زنند یا از او دعوت می‌کنند. چند ماه قبل نیز محمدرضا باهنر، احمدی‌نژاد را به جامعه اسلامی مهندسین دعوت کرده بود؛ البته گویا پشت پرده این دعوت، مجتبی هاشمی‌ثمره، خواهرزاده باهنر و یار غار پیشین احمدی‌نژاد بوده است؛ آن‌هم به بهانه ماه رمضان و افطاری. از سویی دیگر، ناطق‌نوری هم مدعو آن مراسم بود؛ اما ناطق همین که چشمش به احمدی‌نژاد افتاد، مراسم افطاری را ترک کرد.

این‌روزها می‌توان بین مواضع و اهداف قالیباف و احمدی‌نژاد شباهت‌هایی یافت؛ هر دو زمانی عزیزکرده جریان اصولگرایی بودند، یکی البته این‌روزها به‌شدت از سوی یاران پیشین طرد شده و دیگری مدت‌هاست از بودن در این جریان احساس غبن می‌کند؛ چراکه همواره در بزنگاه، دیگری بر او ترجیح داده شده است. شاید هر دو در این لحظه به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توانند با تشریک مساعی، به جریان دیگری بدل شوند؛ مانند جریان سوم؛ جریانی که دیگر نیاز به تکیه و حمایت یاران اصولگرا نداشته باشد. هر دو از اینکه در جریان اصولگرایی دیگران تصمیم‌ساز باشند و آنها رهرو، شکایت دارند. اختلاف محمود احمدی‌نژاد با یاران سابق نیز دقیقا از جایی آغاز شد که از سهمیه فکری و انسانی آنها در دولت خود کاست. او درباره اصولگرایان گفته است: «ائتلاف اصولگرایان فاقد چهره‌های کاریزماتیک در انتخابات است و برخی از نامزدهای آنها نیز امتحان خود را قبلا داده و مردود شده‌اند. دور هم می‌نشینند و فهرست می‌بندند و فکر می‌کنند مردم به آنها رأی خواهند داد. اینها اصولگرایی را خراب کرده‌اند؛ آنها نه شعار دارند و نه برنامه. از نظر من اصولگرایی مرده است و باید خون تازه‌ای در جریان حامی انقلاب دمیده شود».

دقیقا مشابه این جملات را قالیباف نیز زده است. او در مانیفست اصولگرایی خود، خبر از اختلال در رأس تصمیم‌ساز این جریان داد و از جوانان اصولگرا خواست آتش به اختیار عمل کنند. شهردار سابق تهران گفته است: «یک آقایی که من به ایشان ارادت دارم، گفت مانیفست اصولگرایی را ما نوشته‌ایم و هیچ‌کس حق تغییر آن را ندارد. شما در این فضا می‌خواهید کار حزبی کنید؟ این یعنی همه در خانه‌هایتان بنشینید تا برایتان تصمیم بگیریم! مردم این حرف را از ما قبول می‌کنند؟».

ازقضا ادبیاتی هم که هر دو این‌روزها استفاده می‌کنند، شبیه شده است؛ هر دو به جریان یا افرادی اشاره می‌کنند که سال‌هاست منابع قدرت و ثروت را در اختیار دارند، البته هیچ‌وقت هیچ اشاره مستقیمی به اینکه اینها چه کسانی و کجا هستند و چه عامل یا عاملانی باعث می‌شود با آنها برخورد نشود، نمی‌کنند. قالیباف از این جریان تعبیر چهاردرصدی‌ها را دارد و بارها و بارها از زمان تبلیغات ریاست‌جمهوری تاکنون از این تعبیر استفاده کرده است.

او همین دیروز هم گفته است: «با ثروتمندی و تولید ثروت مخالف نیستم و منظورم از چهاردرصدی‌ها، کسانی است که دلالی، قاچاق و رانت‌خواری می‌کنند. وقتی موضوع چهاردرصدی‌ها را مطرح کردم، بعضی‌ها تعبیر غلطی از آن داشتند و گمان کرده بودند من با تولید ثروت، کارآفرینان و کسانی که در کشور تلاش می‌کنند تا با سرمایه‌گذاری کار ایجاد کنند، مخالفم. درحالی‌که معتقدم اقتصاد، تولید ثروت و امنیت سرمایه می‌خواهد. اقتصاد حتما ثروتمند می‌خواهد. من با ثروتمندی و تولید ثروت مخالف نیستم؛ منظور من از چهاردرصدی‌ها، کسانی هستند که دلالی، قاچاق و رانت‌خواری می‌کنند».

نه‌فقط در کنش‌ها و گفته‌های این دو، بلکه در جریان زیرمجموعه آنها نیز می‌توان این هم‌پوشانی مواضع را دید. عبدالرضا داوری، از نزدیکان احمدی‌نژاد، گفته بود: «می‌خواهیم اقتصاد را از دست اصلاح‌طلبان و اصولگرایان بگیریم و به دست مردم بدهیم». مفتاح، یکی دیگر از نزدیکان قالیباف نیز گفته بود: «ما در مانیفست خود گفته‌ایم اقتصاد باید مردمی شود. باید دست افراد زالوصفتی را که به اقتصاد کشور چنگ می‌زنند، کوتاه کنیم. به قول آقای قالیباف، بسیاری از چهاردرصدی‌ها باید دست از منافع مردم بردارند». در سیاست به چنین ادعاهای بدون نقشه راه و برنامه مشخصی، گفته‌های پوپولیستی انتخاباتی می‌گویند؛ از زبان هر جریانی که می‌خواهد طرح شود. حامیان قالیباف چندی قبل از مانیفست نواصولگرایی خود رونمایی کردند؛ مانیفستی که چندان با استقبال اصولگرایان روبه‌رو نشد و البته انتظار آن نیز می‌رفت؛ چراکه حرف چندان تازه‌ای برای گفتن نداشت و قرار هم نبود داشته باشد. نواصولگرایی ادعاشده بیشتر به شعر و شعارهای کلی شبیه است تا نقشه راهی متفاوت و نو؛ درست شبیه مکتب بهار احمدی‌نژادی‌ها.

به نظر می‌رسد احمدی‌نژاد و قالیباف می‌توانند فعلا به ائتلافی حداقل موقت برسند و استراتژی‌ای برای خود تعریف کنند؛ ائتلافی برای بردن انتخابات آتی مجلس و احتمالا چشم‌دوختن به انتخابات ۱۴۰۰؛ با این تفاوت که احتمال تأیید صلاحیت رئیس سابق دولت در آن انتخابات، تقریبا بعید به نظر می‌رسد، درحالی‌که قالیباف همچنان شانس زیادی برای بردن دارد. احمدی‌نژاد توان بسیج یک بدنه خاکستری را دارد و قالیباف توان گذشتن از سد تأیید صلاحیت را؛ احتمالا ائتلاف این دو وضعیتی شبیه رابطه اصلاح‌طلبان و روحانی پیدا خواهد کرد.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **نادیده‌گرفتن مقررات:** برخی رانندگان اتوبوس‌های شرکت واحد خارج از ایستگاه توقف و از در جلو مسافران را پیاده یا سوار می‌کنند و مقررات را نادیده می‌گیرند.

مرتضی رجبی

● **شهردار منطقه ۱۴ به دنبال مخزن زباله!** شهردار منطقه ۱۴ که نمی‌تواند به مشکل مخزن زباله رسیدگی کند، چگونه می‌خواهد منطقه‌ای را اداره کند؟ مدتی است با انتقال مسئول ناحیه یک شهرداری منطقه ۱۴ مخزن زباله محله ما هم از نیمه‌شب ناپدید می‌شود. نشانی: تهران، خیابان پیروزی، خیابان شکوفه، تقاطع کوچه رازی شرقی - قریب!

حیدری

● **اجحاف آشکار:** قیمت مرغ و تخم‌مرغ مانند لبنیات گران شد. وقتی مسئولان به اعتراض مردم درباره گرانی پاسخ نمی‌دهند نتیجه‌اش افزایش قیمت و اجحاف آشکار به مردم است. مسئولانی که از حقوق‌های بالا برخوردارند و در خانه‌های شیک و خوش آب‌وهوا زندگی می‌کنند، به فکر بقیه نیستند.

علی از تهران

● **گرانی روغن خودرو:** چرا تعویض روغن خودرو با اینکه ایرانی است، حدود ۲۰۰ هزار تومان هزینه دارد.

مجید احمدی

● **مؤسساتی که نظارت نمی‌شوند:** بر بسیاری از مؤسساتی که در حوزه کلاس‌های تقویتی، درسی یا زبان و رشته‌های موسیقی فعالیت می‌کنند، هیچ نظارتی از سوی مسئولان به‌ویژه تعزیرات انجام نمی‌شود؛ در نتیجه این‌گونه مؤسسات هرچه تیغشان می‌برد از هنرجویان پول می‌گیرند. لطفا این پیام را چاپ کنید بلکه مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد.

یک مخاطب

● دبیر بازنشسته پیش از موعد آموزش و پرورش در سال ۸۸ از اول استخدام با لیسانس کمترین حقوق را بین همه بازنشستگان اعم از تأمین اجتماعی و لشکری و کشوری دارند! لااقل رتبه‌بندی را اول برای ما اجرا کنید تا کمی فاصله ما با سایر حقوق‌بگیران کمتر شود. حقوق ما نصف حقوق دبیران شاغل است!

یک مخاطب